

ویرایش (*)

از گرفتاری های رایج نویسندگان امروز ، دست و پنجه نرم کردن با مسأله ویرایش است. بسیار پیش می آید که نویسنده ای اثری را به ناشری می سپارد و ناشر نیز آن را به قلم ویراستار حواله می کند؛ آن گاه نویسنده که احساس می کند اثرش جراحی و سلاخی شده ، بی حوصلگی نشان می دهد و گاه کار را به جدال می کشاند.

برای آن که این مشکل پیش نیاید ، تنها چاره این است که نویسنده بداند «ویرایش» چیست و چه راهکارهایی دارد. در این صورت ، سه فایده بزرگ را نصیب می برد : یکم این که ضرورت ویرایش را می فهمد؛ دوم این که درمی یابد کدام ویراستار برای ویرایش اثرش مناسب است و می کوشد تا ناشر را مجاب سازد کارش را به همو بسپارد؛ وسوم این که در وضعیت خاص می تواند ویراستار آثار خود گردد. البته پیش تر هم توصیه کردیم که اگر ویراستار چیره دستی یافتید ، اثرتان را برای ویرایش به او بسپارید ، هر چند خود نیز اهل ویرایش باشید.

اینک نمایی از کار ویرایش را پیش چشمتان می آوریم؛ به این امید که هم آن فواید را نصیبتان گرداند وهم مشتاقان ویرایش تخصصی را سرآغازی باشد برای رهپویی در این مسیر ، اگر خدا توفیق دهد.

مفهوم ویرایش

مفهوم ویرایش در مفهوم کلی ، ویرایش عبارت است از تعیین سیاست نشر آثار مکتوب ، برقراری رابطه با پدیدآورندگان آثار ، بررسی دقیق آثار ارائه شده و پذیرش آنها پس از احراز صلاحیت ، و آماده ساختن آثار برای چاپ و نشر.

لیکن در عمل ، معمولاً این وظایف عرصه های تخصصی یافته اند و بیش تر ویراستاران جنبه های خاصی از این وظیفه کلی را عهده دار می شوند. به این ترتیب ، اقسامی برای ویرایش پدید آمده است.

اقسام ویرایش

یک. ویرایش سیاست سازانه : تعیین سیاست ها و خطوط اصلی نشر آثار فرهنگی ، خواه از لحاظ کمی و خواه از جنبه کیفی .

دو. ویرایش اساسی یا پر دامنه : تعیین سیاست پدیدآوری یک اثر معین و همکاری با پدیدآورنده (ها) در جریان آفرینش آن اثر.

سه. ویرایش ادبی یا صوری یا فنی و یا مکانیکی :انجام دادن اصلاحات در متنی که به ویراستار سپرده اند. معمولاً همین قسم از ویرایش ، در میان ویراستاران ما معمول است. بعداً دامنه همین نوع ویرایش را تبیین می کنیم.

چهار. ویرایش محتوایی یا ویژه :بررسی متن از لحاظ محتوایی و اصلاح موارد علمی مربوط به هر زمینه. ویراستار محتوایی ، خود ، در زمینه علمی مربوط دارای تخصص است. به همین لحاظ ، ویرایش محتوایی به زیر شاخه هایی مانند هنری ، فلسفی ، ودینی تقسیم می شود.

پنج. ویرایش جامع :این قسم از ویرایش ، همه چهار قسم پیشگفته را شامل می شود. معمولاً در نهادهای فرهنگی ، هر یک از این وظایف به فردی معین سپرده می شود و یک انسان فرهیخته کارآزموده که خود در هر یک از این عرصه ها صاحب نظر و مجرب است ، بر کار آن ویراستاران نظارت می کند. چنین کسی را سرویراستار^۱ می نامند. گاه نیز در مجموعه های مفصل پژوهشی ، هر ویراستار^۲ دارای یک یا چند ویراستیار^۳ است که در شاخه های خاص او را یاری می دهند.

خوب است در همین جا معنای یک اصطلاح را نیز توضیح دهیم. گاه می بینید که یک اثر مثلاً دارای این عنوان است : ویراست دوم ، چاپ پنجم. ویراست ، چنان که برخی می پندارند ، به معنای چاپ چندم یک اثر نیست. ویراست^۴ یعنی آن که اثری مورد تجدید نظر کلی قرار گیرد و اصلاحات اساسی بپذیرد.

۱ - feih... rotide

۲ - rotide...

۳ - rotide tnatsissa...

۴ - noitide...

بنابر این ، هر ویراست ممکن است خود دارای یک یا چند چاپ باشد. از این به بعد ، سخن خود را تنها در باره ویرایش ادبی بصورتیدنبال می کنیم.

ویژگی های ویراستار خوب

یک .آشنایی کافی با موضوع ورشته اثر مورد ویرایش.

دو .آشنایی با یک زبان بیگانه ، به ویژه زبان بیگانه اثر مورد ویرایش.

سه .تسلط بر ادبیات فارسی وقواعد درست نویسی وشیوانویسی ودیگر زمینه های مربوط که ما در همین اثر به آنها پرداخته ایم.

- چهار. برخورداری از ذوق ادبی و هنری و داشتن بینش فرهنگی.
- پنج. دستگاه پذیری ریاضی و داشتن توان ایجاد ارتباط منطقی و ریاضی.
- شش. برخورداری از دقت و نظم و انصاف و حوصله.
- هفت. تسلط بر فن ویرایش.

هماهنگی میان ویراستار و پدیدآورنده

ویراستار نباید درباره بعضی از مسائل به تنهایی تصمیم بگیرد و در عین حال، نباید از کنار آنها بدون احساس مسئولیت بگذرد. در چنین مسائلی، وظیفه ویراستار آن است که همانند چشمی بیدار و قلبی تپنده عمل کند: نویسنده را از کاستی‌ها و نبودها آگاه سازد و پیشنهادهای خویش را با او در میان بگذارد و پس از مشاوره مهرآمیز و لطیف با وی، به راه حل‌هایی برسد. اکنون به چهار سرفصل مهم این مسائل اشاره می‌شود:

یک. ساختمان اثر: چگونگی چینش قسمت‌های مختلف مَطَّلَع، متن، و مَقْطَع؛ چند و چون تفکیک اثر به بخش‌ها یا فصل‌های مهم و تقسیمات داخلی آن‌ها؛ تعداد و نوع عناوین (= تیتراها)؛ شیوه کلی پاراگراف بندی؛ و اموری از این دست.

دو. اصطلاح‌های خاص اثر: تعابیر و اصطلاح‌های کلیدی و تخصصی که فهم اثر متوقف بر فهم آنها است و چه بسا تصمیم‌گیری خودسرانه ویراستار در باره آنها، به تخریب اثر بینجامد.

سه. سبک و زبان اثر: مسائل محوری در باب ویژگی‌های سبکی نوشته و تناسب آن با مخاطب خاص اثر؛ هماهنگی سبک و موضوع اثر؛ یکدستی و هماهنگی زبان در بخش‌های مختلف نوشته، به خصوص آن‌گاه که اثری فراهم آمده تلاش چند نفر باشد؛ و مسائلی از این قبیل.

چهار. چینش واحدهای پیش و پس از متن: نحوه تنظیم قسمت‌هایی که پیش و پس از متن در کتاب یا رساله و مانند آن می‌آیند، همچون صفحه عنوان، شناسنامه، صفحه اهدا، فهرست، مأخذنامه، و نمایه.

روند کار ویرایش

یک. پذیرفتن دستنوشته پدیدآورنده.

هرگاه پدیدآورنده اثر خود را به ویراستار عرضه کند، لازم است نخست ویراستار آن را دقیقاً و ارسائی کند و در صورت احراز صلاحیت‌های صوری و درونی در آن، ویراستاری‌اش را بپذیرد. بسا مواردی که ویراستار

به دلیل ملاحظات یا به جهت رؤیت نکردن متن دستنویست ، آن را می پذیرد و سپس پشیمان می شود. ملاک هایی که خوب است در این مرحله مورد عنایت قرار گیرند ، چنینند:

نوشته شدن متن روی کاغذ مناسب.

وجود فاصله لازم میان سطرها و نیز حواشی کافی ، برای انجام دادن اعمال ویرایشی.

تمیزی و خوانایی متن.

شماره گذاری درست و مرتب بودن مواد چیده شده و واحدهای پیش و پس از متن.

در دست بودن یک نسخه دیگر از اثر که در صورت مفقود شدن متن ، مشکلی پیش نیاید.

نیازمند بودن اثر به ویرایش ، و نه بازنویسی یا اصلاحات بنیادین دیگر که بیرون از قلمرو ویرایش است.

قرار داشتن اثر در حدّ و اندازه مقبول و مطلوب برای عرضه به دنیای مطالعه. فراموش نشود که هر نوشته ای

را نمی توان ویرایش کرد. ویرایش برای رساندن اثر از سطح متوسط محتوایی و قلمی به سطح خوب یا عالی

است. اثری که از لحاظ محتوا یا قلم یا هر دو ، ضعیف و کاملاً خام و ابتدایی است ، نباید با زحمت ویراستار

و به نام مؤلف به جامعه نشر پا نهد و سبب ترویج «کتاب سازی» و «نویسنده تراشی» شود.

دو. احراز صلاحیت خود برای ویرایش متن.

سه. هماهنگی در مورد مسائل اساسی چهارگانه که ذکرشان رفت و ویراستار باید درباره آنها با پدیدآورنده

(ها) مشاوره و سازگاری کند.

چهار. انجام دادن اصلاحات ویرایشی پانزده گانه که در فهرست «دامنه کار ویرایش» به آنها اشاره می کنیم.

پنج. هماهنگی دیگر بار با پدیدآورنده.

پس از پایان ویرایش ، معمولاً پدید آورنده اثر حاصل کار را می بیند و نکات و ملاحظات را ارائه می کند.

بسیار خوب است که در این مرحله نیز ویراستار و پدیدآورنده کنار هم آیند و درباره این نکات به رایزنی

پردازند تا نظری واحد یا نزدیک به هم بیابند.

شش. بازخوانی متن ویراسته و انجام دادن اصلاحات نهایی.

پس از انجام یافتن همه مراحل و به خصوص با گذشت زمانی کوتاه یا بلند ، خوب است ویراستار مجموع

کار را بازنگری کند و از وحدت روش و یکدستی حاکم بر اثر اطمینان یابد. به ویژه در مورد آثار

پرحجم ، دور نیست که طول زمان و تشّتّ آهوا و افکار ، ناهمگونی هایی در ویرایش پدید آورده باشد. این

بازنگری فرجامین می تواند سلامت کار ویرایش و وحدت و همگونی آن را تضمین کند.

هفت. هماهنگی با بخش تولید، به ویژه در مورد نشان های خاص ویرایشی^{۱۰} که حروفچین و صفحه آرا باید با آنها آشنا گردند.

از آن جا که معمولاً حاصل زحمات ویراستار در مرحله حروفچینی و آماده سازی، تا حدی خدشه می پذیرد، ویراستار دلسوز چاره ای ندارد جز آن که خود نیز وارد این میدان شود و ضمن همدلی و هماهنگی با بخش آماده سازی و تولید اثر، مراقب صحت و سلامت اثر باشد.

دامنه کار ویرایش

یک. بررسی محتوایی متن و ارائه پیشنهادهای اصلاحی در این زمینه.

دو. انجام دادن اصلاحات دستوری.

سه. اعمال و اصلاح و یکدست سازی علائم سجاوندی.

چهار. اصلاح و یکدست سازی شیوه خط.

پنج. بازنگری و اصلاح واژه ها.

شش. بازنگری و اصلاح اصطلاحات.

هفت. بررسی و اصلاح اعراب های متون عربی یا کلمات دیگر معرب.

هشت. تعیین مکان سرسطرها، سرشپون ها، سربندها، و...

نه. عنوان بندی و معین کردن ریز عنوان ها.

ده. فصل بندی و تنظیم ساختار اثر.

یازده. گذاردن علائم نشان دهنده ملاحظات چاپی.

دوازده. ایجاد وحدت روش در سراسر اثر، از جوانب گوناگون.

سیزده. بازنگری یا برنهادن پانویس ها و واحدهای پیش و پس از متن.

چهارده. بازنگری و اصلاح شواهد و مآخذ.

پانزده. ارائه پیشنهادهای بایسته در هر زمینه لازم دیگر به فراخور هر اثر.

اصول ویرایش

یک. رعایت وحدت روش در طول کار.

طبیعی است که به ویژه در مسائل ساختاری و صوری، ویراستاران مختلف دارای

سلیقه های متفاوتند؛ اما پسندیده نیست که یک ویراستار در یک اثر خاص ، چند گونه و چندگانه عمل کند :
 گاه واژه ای را متصل بنویسد و گاه منفصل؛ برای یک مفهوم کلیدی گاه از این اصطلاح استفاده کند و گاه از
 اصطلاحی دیگر؛ نشانه های سجاوندی را در جاهای گوناگونی شیوه های مختلف به کار برد؛ و... ویراستار
 خبره باید در همه مراحل ، خصوصاً در مرحله ششماز روند کار ویرایش که پیش تر به آن اشاره کردیم ،
 وحدت روش در کار خویش را واریسی و تأمین کند.

دو. پایبندی به اصول وقواعد ویرایش ، به هنگام انجام دادن اصلاحات. این اصول عبارتند از:

درستی و بقاعده بودن.

پذیرش عرفی.

اعتدال و میانه روی.

تنوع و دلنشینی.

سازگاری با مخاطب اثر.

سه. توجه به سبک های متفاوت و گوناگونی های آن ها.

چهار. پرهیز از ملاحظه بیجا در کار پدیدآورنده.

پنج. رعایت نظم و خوانایی و زیبایی تصرفات ویرایش. تأکید می شود که ویرایش با رنگی متمایز از رنگ

متن انجام شود.

شش. ارائه پیشنهادها و تذکرات به پدیدآورنده.

هفت. مشاوره با اهل فن ، و مطالعه و بازیابی کارهای پیشین خود ، به منظور پرهیز از جمود و درجا زدن.

نشان های ویرایشی

اکنون نوزده نشانه از موارد عمده نشان گذاری (مارک آپ) ویرایشی را می آوریم. البته در این مورد ، شیوه
 یکسانی وجود ندارد. ما می کوشیم ساده ترین راه را که در عین حال مورد پذیرش بسیاری از ویراستاران باشد ،
 عرضه کنیم. نیز سعی می کنیم روشی را پیشنهاد نمایم که به ویراستار یاری رساند تا اصلاحات را در متن
 انجام دهد و به تکرار آنها در حاشیه ناچار نشود. تنها چند نشان را ویژه حاشیه قرار داده ایم. اگر از این نشان ها
 کمک نگیریم و بخواهیم همه توضیحات و اصلاحات را به زبان معمول بنویسیم ، ویرایش سبب شلوغی و هرج
 و مرجدر متن می شود.

۲. نشان‌ها در حاشیه

نشان	مفهوم	نمونه ویرایشی	نمونه اصلاح شده
	میزان کردن سطرها	شهید ثانی برای حفظ میراث دینی بسیار تلاش کرد و سرانجام در این راه جان نهاد.	شهید ثانی برای حفظ میراث دینی کوشید و سرانجام در این راه جان نهاد.
→	کم کردن فاصله سطرها	به بهانه سازندگی کشور، هرگز نباید ارزش‌ها را فراموش کرد.	به بهانه سازندگی کشور، هرگز نباید ارزش‌ها را فراموش کرد.
↗	زیاد کردن فاصله سطرها	چمران هنر جهاد را بسی زیبا به نمایش نهاد.	چمران هنر جهاد را بسی زیبا به نمایش نهاد.
]...[وسط چیدن عنوان	یک. وظایف حاکم	یک. وظایف حاکم

اکنون در چند سطر از کتابی، برخی از رایج‌ترین نشانه‌های ویرایشی را اعمال می‌کنیم تا هم نمونه‌ای پیوسته از اعمال نشانه‌ها را عرضه کنیم و هم تمرینی ویرایشی برای مشتاقان جدی ویرایش ارائه دهیم:

فرهنگ جامعه همانند بسیاری از پدیده‌ها دستخوش دگرگونی و تغییر است. هیچ‌گاه دو نسل از بشر را نمی‌توان پیدا کرد که از لحاظ فرهنگ از هر جهت همگون باشند؛ بلکه آداب معاشرت، زبان محاوره، طرز نیایش، مرتب کردن سر و صورت، ارتباطات و... همواره در دگرگونی است. با گذشت یک نسل (قریب سی سال) در تمام این محورها دگرگونی حاصل می‌شود. حال چه چیز در تغییر است؟ آیا معارف و علوم در تغییر است؟ آیا ارتباط انسان با حقایق در تکامل و تنزل است؟ آن بحث دیگری است و شاید بهترین نظم هم

جیب کرده و قصیده را بیرون آورده اما از بدبختی اشتباه کرد و قصیده مربوط به رقیب را بیرون آورد. خاست بخواند به تته پته افتاد امیر متوجه شد. او را پیش خواند و کاغذ را گرفت و چون بر ماقع آگاهی یافته بود فرامین لازمه را صادر کرد: حسب الدستور او دو دیوار کوتاه به موازات هم ساختند و شاعر بینوا را میان دو دیوار نشانند و گروهی مأمور شدند او را بیازارند.

* * *

آیا چگونه می توان به قول معروف بر علیه سوابق گذشته افرادی که نمی شناسیم عملیات قانونی انجام و موضوع را بطور دقیق بررسی و ارزیابی کنیم. این کار هم مستلزم شناخت است هم مستلزم صرف وقت فراوان، در غیر این صورت تجسس در کار دیگران جائز نیست.

* * *

رفتن و برگشتن از نمایشگاه مدتی زیاد به طول نینجامید ولی در همان اندک زمان از غرفه های زیادی گاهاً دیدار می کردم که بسیار جالب توجه بود. یک دوره شاهنامه خریدم زیرا شناسنامه ملت ایران و سند ملیت ماست که باید آن را حفظ و خواند و عبرت از پندها و اندرزهای آن گرفت. همچنین یک دانه دیوان شاعره معاصر ایران پروین اعتصامی را خریدم. پس بدنبال آن گشت و گزاری در سایر دیگر غرفه ها کردم و سرانجام از نمایشگاه خطّ و خوشنویسی که در جنب نمایشگاه برپا گشته شده بود بازدید کردم. آثاری نفیس و هنرمندانه که چشم نواز بودند را ملاحظه و لذّت بردم....

منبع کتاب «بر بال قلم» .

تالیف سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)

مشاوره پایان نامه و مقاله نویسی